

رژیم‌های امنیتی منطقه‌ای اسرائیل و همسایگان آن

Efraim Inbar (ed.), *Regional Security Regimes: Israel and Its Neighbors*, State University of New York Press, 1995, 313 Pages.

در طول دو دهه گذشته، مبحث رژیم‌های بین‌المللی به عنوان یک مفهوم عمده تحلیلی برای تبیین همکاری در روابط بین‌الملل ظهور نموده است. رژیم‌های بین‌المللی به عنوان «الگوهای عمل شناخته شده که در اطراف آن توقعات به یکدیگر نزدیک می‌شوند»، تعریف شده‌اند که «ممکن است با ترتیبات مشخص سازمانی همراه باشند یا نباشند».

راسنر در تعریفی از رژیم‌های بین‌المللی که تقریباً به نحوی اجماعی در ادبیات رژیم‌ها مورد پذیرش واقع شده، رژیم‌های بین‌المللی را «به عنوان مجموعه‌ای از اصول، هنجارها، قواعد و رویه‌های تصمیم‌گیری آشکار یا ضمنی که توقعات بازیگران در یک عرصه مشخص

روابط بین‌الملل حول آنها به یکدیگر نزدیک می‌شوند»، تعریف می‌نماید. به عبارت دیگر، رژیم‌های بین‌المللی عبارت از هنجارها، قواعد، رویه‌ها و نهاد‌های پذیرفته شده هستند که موجب می‌شوند جامعه بین‌المللی به حیات خود ادامه داده و بر نگرانیهای متعدد در غیاب یک حکومت جهانی فائق آید.

بر اساس این ادبیات، کارهای ویژه و عمده رژیم‌های بین‌المللی عبارتند از: کاهش هزینه‌های مبادله میان کشورها، بیشتر شفاف ساختن توافقیهای میان آنها، ایجاد مکانیسمهای تنبیهی برای ناقضین قواعد و هنجارها. بحث عمده در این ادبیات بررسی میزان تاثیر رژیم‌های بین‌المللی بر رفتار دولتهاست. مناظره میان واقع‌گرایان و آرمان‌گرایان برای مدتهای مدید بر سر ماهیت انسان و بحث جنگ و صلح بوده، اما در مبحث رژیم‌ها عمده محور مجادله میان این دو طرز تفکر مسئله، میزان اهمیت ساختارها و تاثیر آنها بر رفتار دولتهاست.^۱

حامیان نقش رژیم‌های بین‌المللی معتقدند این رژیم‌ها تاثیر عمده‌ای بر رفتار

دولتها دارند. هرچند رژیم‌های بین‌المللی ممکن است در بسیاری از مواقع صرفاً به‌عنوان یک نهاد عمل‌کرده و سازمان مشخصی نداشته باشند، اما به‌هرحال بر رفتار دولتها و تنظیم این رفتار موثر هستند (در مورد میزان و نحوه تأثیر رژیم‌های بین‌المللی بر رفتار دولتها.^۲)

عمده مطالب موجود در ادبیات رژیم‌های بین‌المللی با مسائل اقتصادی مانند تجارت، سرمایه‌گذاری خارجی، مالی و نرخ ارزهای بین‌المللی و بدهی سر و کار دارند. اما به‌هرحال رابرت جرویس و دیگران به کاربرد این ادبیات در حوزه امنیت پرداخته و مفهوم «رژیم امنیتی» را مطرح ساختند.^۳

بر اساس تعریف کراسنر از رژیم‌های بین‌المللی می‌توان چنین استنباط نمود که رژیم امنیتی عبارت است از مجموعه‌ای از اصول، هنجارها، قواعد، و رویه‌های تصمیم‌گیری که توقعات در اطراف آنها در یک حوزه موضوعی یعنی امنیت، به یکدیگر نزدیک می‌شوند. چنانکه جرویس در تعریف از رژیم امنیتی بیان می‌دارد، یک رژیم امنیتی عبارت است از اصول، قواعد، و

هنجارهایی که موجب می‌شود دولتها در رفتارشان به سبب اعتقاد به این که دیگران عمل مقابله به مثل انجام خواهند داد، خود را محدود سازند.

کتاب رژیم‌های امنیتی منطقه‌ای: اسرائیل و همسایگانش، به بررسی احتمال تاسیس یک رژیم امنیتی در منطقه خاورمیانه می‌پردازد. به اعتقاد افرایم عنبر که ویراستار کتاب است، رژیم امنیتی نوعی ساختار سیاسی-نظامی است که به معنای صلح کامل نمی‌باشد، اما قابل دسترس‌تر از صلح در منطقه خاورمیانه است (ص. viii).

به اعتقاد او، استفاده از ادبیات رژیم‌های بین‌المللی ابزاری تحلیلی برای بررسی امکان و کشف ترتیبات سیاسی-نظامی در منطقه خاورمیانه در اختیار محققان قرار می‌دهد که می‌تواند منجر به رابطه‌ای صلح‌آمیزتر میان اسرائیل و همسایگانش گردد. ظاهراً تم عمومی کتاب بر این اصل مبتنی است که می‌توان در منطقه خاورمیانه به تاسیس یک رژیم امنیتی پرداخت، زیرا در این منطقه کشورها به این نتیجه رسیده‌اند که جنگ و تعقیب فردی امنیت توسط آنها خیلی پرهزینه

می باشد به عبارت دیگر، این کتاب با دیدگاهی خوشبینانه به بررسی احتمالات موجود برای تاسیس یک رژیم امنیتی میان اسرائیل و کشورهای عربی می پردازد. (ص. xi).

این کتاب دارای پنج بخش می باشد. بخش اول تحت عنوان زمینه مفهومی و تاریخی به بررسی ادبیات رژیم های بین المللی به طور کلی و کاربرد این ادبیات در منطقه خاورمیانه به طور خاص می پردازد. این بخش شامل دو فصل است. چارلز لیبسون در فصل اول، این پرسش اساسی را مطرح می سازد که چگونه دولتها باید برای خود ایجاد امنیت نمایند. دیدگاه رئالیستی معتقد به مسلح کردن دولتها و بازدارندگی جنگ در صورت امکان و جنگیدن در صورت ضرورت برای تامین امنیت می باشد. اما دیدگاه ایده آلیستی معتقد به ایجاد یک صلح جامع از طریق امنیت دسته جمعی است. نویسنده معتقد است سلطه رئالیسم و منطق نیرومند نظریه بازدارندگی موجب نشده که پژوهشگران روابط بین الملل به دنبال راههای بیشتری

مبتنی بر همکاری برای تامین امنیت ملی بر نیایند (ص. ۵). این تلاشها نه مبتنی بر دیدگاه رئالیستی و نه مبتنی بر دیدگاه اوتوپایی ایده آلیستی هستند، بلکه معتقدند که نوعی همکاری بین المللی ممکن است. بدین ترتیب، فهم این که چگونه همکاری میان کشورها از طریق ایجاد نهادها و رژیم های بین المللی ممکن است، امری ضروری است. فصل دوم این بحث را در مورد منطقه خاورمیانه به کار می گیرد و معتقد است تاسیس رژیم امنیتی رسمی یا غیر رسمی میان اسرائیل و همسایگان عرب آن (مصر، سوریه و اردن) شرط ضروری هر چند غیر کافی برای انتقال از جنگ به صلح است (ص. ۳۳). نویسنده با توجه به طولانی شدن منازعه اعراب اسرائیل و وقوع چهار جنگ، چنین استدلال می نماید که طرفهای درگیر در این فرآیند یادگیری طولانی به خوبی دریافتند که دیگر جنگ ابزاری موثر برای دستیابی به اهداف و منافع ملی به نحوی یک جانبه نمی باشد و این می تواند عامل تشویق این کشورها برای ایجاد یک رژیم امنیتی باشد. (ص. ۳۷).

بخش دوم کتاب که شامل دو فصل است، به بررسی نقش بازیگران خارجی در امنیت منطقه خاورمیانه و ایجاد یک رژیم امنیتی می‌پردازد. فصل سوم تحت عنوان «نقش آمریکادر یک رژیم امنیتی منطقه ای»، معتقد است دوام یک رژیم امنیتی منطقه ای بدون حضور آمریکا ممکن نیست. در این فصل نویسنده به بررسی اهمیت نقش آمریکا برای ثبات منطقه، منافع و سیاستهای منطقه ای این کشور و موانع تشکیل یک رژیم امنیتی می‌پردازد که وجود آمریکا را ضروری می‌سازد. فصل چهارم به نقش سازمان ملل متحد در ایجاد یک رژیم امنیتی منطقه ای در خاورمیانه می‌پردازد. به اعتقاد نویسنده، حضور نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در مرزهای اسرائیل با مصر، سوریه و لبنان می‌تواند در راستای ایجاد یک رژیم امنیتی منطقه ای یعنی ایجاد «اصول، قواعد و هنجارهایی گردد که به ملتها اجازه می‌دهد تا بر اساس اعتقاد به عمل مقابله به مثل دیگران، برای رفتار خود محدودیت قائل شوند». (ص. ۸۴)

نویسنده با توجه به پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی قائل به نقشی فعال تر برای سازمان ملل بوده و چنین استدلال می‌نماید که عملیات موثر این سازمان در طول جنگ دوم خلیج فارس (۱۹۹۱ - ۱۹۹۰) را می‌توان تلاشی برای تاسیس یک رژیم امنیتی اختصاصی با قواعد رفتاری تاسیس شده و تنبیهات تصریح شده برای ناقضین این قواعد، دانست (ص. ۸۵).

بخش سوم به تعاملات منطقه ای می‌پردازد و نقش بازیگران منطقه ای در ایجاد یک رژیم امنیتی را بررسی می‌کند. این بخش شامل چهار فصل است. فصل پنجم به تلاش برخی کشورهای عربی در ایجاد یک رژیم امنیتی تحت عنوان «نظم نوین عربی» می‌پردازد. نویسندگان این فصل معتقدند که تلاش شش کشور عربی خلیج فارس به همراه مصر و سوریه برای تاسیس یک رژیم امنیتی که بعد از شکست عراق در جنگ دوم خلیج فارس و خلع سلاح شدن آن صورت گرفت، نشان دهنده این واقعیت است که این کشورها که ائتلاف عربی ضدعراق را تشکیل داده بودند از این فرصت استفاده کردند تا بی میلی مشترکشان نسبت به تلاش عراق

برای سلطه بر خلیج فارس را به یک عمل دسته‌جمعی تبدیل سازند. این فصل با مروری بر تلاش‌های انجام گرفته در طول تاریخ برای دستیابی به یک امنیت منطقه‌ای، چنین استدلال می‌نماید که شکست تلاش این هشت کشور عربی ریشه در میراث برجای مانده از شکست‌های قبلی دارد. در همین راستا، فصول ششم و هفتم به مبحث روابط امنیتی میان اسرائیل با اردن و اسرائیل با سوریه پرداخته و چنین استدلال می‌کنند که این روابط را می‌توان رژیم‌های امنیتی دو جانبه نام گذارد. فصل هشتم نیز به بررسی رژیم بین‌المللی کنترل تسلیحات و امکان تسری آن به منطقه خاورمیانه و ایجاد یک رژیم کنترل تسلیحات در این منطقه می‌پردازد. نویسنده معتقد است ایجاد چنین رژیمی در آینده نزدیک غیرمحمتمل می‌باشد.

بخش چهارم که شامل سه فصل است به ابعاد غیرنظامی فرآیند ایجاد یک رژیم امنیتی منطقه‌ای می‌پردازد. فصل نهم به عوامل روان‌شناختی-فرهنگی در منطقه در شکل دادن به این که سئوال‌ات مربوط به جنگ و صلح چگونه مطرح گردند،

می‌پردازد. نویسنده معتقد است در منطقه‌ای که تفاوت و تنوع قومی و زبانی و ارزشی گسترده‌ای دارد، ایجاد هر نوع همکاری و در نهایت یک رژیم امنیتی بعید به نظر می‌آید (ص. ۲۰۲). فصول دهم و یازدهم نیز به امکان همکاری در دو عرصه بسیار مهم یعنی آب از یکسو و علوم و تکنولوژی از سوی دیگر، می‌پردازد. هرچند این دو عرصه ارتباط مستقیم با امنیت ندارند، اما برای ایجاد موفقیت‌آمیز یک رژیم امنیتی نقشی حیاتی دارند. در بخش پایانی و در آخرین فصل کتاب، تهدیداتی که امنیت اسرائیل را نشانه گرفته‌اند، مورد بررسی قرار گرفته و چنین استدلال می‌شود که دکترین استراتژیک اسرائیل باید از ترجیح سنتی برای اقدامات یک جانبه به سمت تمایل بیشتر برای پذیرش همکاری در چارچوب یک رژیم امنیتی منطقه‌ای تغییر یابد.

در یک ارزیابی کلی می‌توان گفت که این کتاب با استفاده از یک چارچوب تئوریک که تقریباً جدیداً در رشته روابط بین‌الملل مطرح گشته، به شکلی منسجم و قوی به

بررسی یکی از مشکل‌ترین مباحث در منطقه خاورمیانه یعنی امکان همکاری میان اسرائیل و کشورهای عربی می‌پردازد. به عبارت دیگر، این کتاب نه تنها مروری بسیار منسجم و منجز (Parsimonious) از ادبیات رژیم‌های بین‌المللی ارائه می‌دهد، بلکه تلاش می‌کند تا به شکلی بسیار بدیع و نو این نظریه را در منطقه خاورمیانه بکار بندد. شاید دو انتقاد جدی بر این کتاب وارد باشد.

اول این که مفروض نویسندگان کتاب این است که اسرائیل دولتی مشروع در منطقه بوده و باید بدون در نظر گرفتن تاریخ گذشته

و اشغال سرزمینهای عربی توسط آن، به بررسی و بیافتن راههای ایجاد یک رژیم

امنیتی میان اسرائیل و همسایگان عربش پرداخت. به عبارت دیگر، وجود اسرائیل در

مرزهای کنونی امری مفروض قلمداد شده و لزوم تغییر دکترین امنیتی این کشور و

تلاش برای تشکیل یک رژیم امنیتی با همسایگان عرب این کشور مورد کنکاش

قرار گرفته است. دوم این که در این کتاب هیچ بحثی از نقش کشورهای پیرامون

سیستم خاورمیانه یعنی ایران و ترکیه در

تسهیل یا ایجاد مانع در ارتباط با رژیم امنیتی منطقه‌ای صورت نگرفته است. این مسئله با توجه به روابط اتحادگونه اخیر اسرائیل و ترکیه و تلاش اسرائیل برای نزدیکی جغرافیایی به مرزهای ایران حائز اهمیت است لذا باید در چنین کتابی مورد توجه واقع می‌شد. اما به هر حال، این کتاب به علت غنای تئوریک سالها می‌تواند مورد استفاده دانشجویان و محققان منطقه خاورمیانه قرار گیرد.

دکتر امیر محمد حاجی یوسفی

عضو هیئت علمی دانشکده علوم اقتصادی و

سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

باورقی‌ها:

۱- نگاه کنید به:

A. Wendt, "Anarchy is What States Make of it" in James Der Derian (ed.) *International Theory: Critical Investigations*, Macmillan Press, 1995.

۲- نگاه کنید به:

S. Krasner, "Structural Causes and Regime Consequences" in Krasner (ed.) *International Regimes*.

۳- نگاه کنید به:

Robert Jervis, "Security Regimes", *International Organizations* 36 (Spring 1982).